هر یکشنبه بامنوچهر آشتیانی

بحثى درباره شكل گيرى روشنفكرى والزامات آن(۱)

گربگویم تیغ باشد یا درخت

فروغ فكرى («روشــنفكران»؛ تنها گروه اجتماعي كه نمي توان ميان تعريف و تعبير هاي طبقاتي ر کرد کی در در گروهی آگاه و دایما پر سشبگر که می خواهندابعاد پنهان مناسبات اجتماعی محصور شسان کرد. گروهی آگاه و دایما پر سشبگر که می خواهندابعاد پنهان مناسبات اجتماعی راعیسان کرده و جامعه رایه کنش وادارند. کنشــی برخاســته از بطن جامعه کـــه منجر به تغییرات ر بنیادین شسود. تغییری که در بسیاری از مقاطع تاریخی جان روشسنفکران را نیز گرفته و برخی چون سیهروردی درباره ابسراز نظرات روشسنگر ایانه می گوید: «کر بگویم تیغ باشسد یسا درخت»! » بری بسیاری اما زمان شکل گیری جریانات روشــنفکری را قرون ۱۱ و ۱۲ میلادی می دانند اما «منوچهر آشــتیانی» آن را محصول قرن هجدهم می داند که «کانت» برای نخســتینبار و طی رســالمای به نعریف روشنفکری و روشنگری پرداخت. بحث درباره روشهنفکران هرچند بحثی است که بارها مورد واکاوی قرار گرفته است اما تا ایبر گذاری این طبعهٔ و دلایل این اثر گذاری عاملی است تا بار دیگر با «منوچهر آشتیانی» جامعه شناس و پژوهشگر فلسفه، در این خصوص به بحث بنشینیم.

بله اما درنهایت روشنفکری کار خود را پیش برد و این تقابل ها نیز طبیعی بود. در آنجا بحث روشنفکری در دست دو گروه قرار داشت. نخست رر جریان پوزیتیویستی است که از کانت شروع شدو به آگوست کنت رسید که در این زمان بحث کامل

فلسفی درخصوص روشنفکری و روشنفکران به وجود آمدو عقیده آنهااین گونه بود که در جامعه یکی از قشرهای اجتماعی امکان ایس را پیدا می کند که بر جامعه اشراف عقلانی پیدا کرده

و توانایی این قشــر اجتماعی بهحدی می رســد

که روشنگری می کندو تنها این قشر است که می تواند آگاهی واقعی اجتماعی را منعکس کند.

جریان دیگر هم جریانی بود که از زمان مارکس و در سـنت قدیمی هگلی، شکل گرفت و نگاه به

وشنفکری را از حوزه آیدهآلیستی خارج کرد.

۳. در هر انقلابی، این از در ایند شده است و به همین دلیل هم شعار اساسی مارکس این بود که در هر انقلابی، قلب انقلاب، کارگران و مغز آن

مواجهه باهر دوجريان هماز ابتداى امر مخالفان

گُستردهای حُضُور داشتند و این جریانها نیز نحوه عمل یکدیگر را قبول نداشتند اما در نهایت

وحانهند

پ "یا عملکرد روشنفکران هر ُدو دیدگاه و نس

یدی عمل یکدیگر را قبول نداشتند... رمخالفتهایی نتوانست مانعی اساسی در دیدگاه و نسبت آنها

ا حامعــه انحاد کنــد و آنها

جبهند شــما بــا ایــن نظــر

موافقیــد کــه هرچــه

جامعــهای حرکتــش بهســمت دموکراســی ســرعت یافتــه باشــد،

نیــازُش به روشــنفکران

کـه نتوانسـته از پـس

ىير.بحث دموكراسي مستقيمابه روشنفكري

یرب سے موجود موکراسی بحثی است که باید مربوط نیست و دموکراسی بحثی است که باید زیر مجموعه اقتصاد سیاسیی به آن پرداخت و

یشـهها و الزامات دیگری را برایش برشـمرد

زمانی کــه سُـرمایه داری پیشــرونده جُهانی به

وُجود آمد، بسیاری از بخشهای زندگی فردی و اجتماعی را تحتالشعاع خود قرار داد. با نگاهی به اطراف می توانیم این برورژوازی پیش رونده

. را ببینیم کـه در تمام ابعاد زندگیمـان خود را نشــان داده اســت. این امر به میزانی است که از

کوچکترین بخش زندگی که خُــورد و خوراکُ اســت تا گســترده ترینش را دربر می گیرد. این

گستردگی در حدی بوده است که حتی می توان

آن را در زمره حرکتی انقلابی جست. چنانچه مارکس هم در مانیفست خود با وجود تمامی

به پرسس شما. این سرمایه داری در زیربنا، اقتصاد آزاد و در روبنا و بخش معنوی، دمو کراسی

ر ایجاد کرد. به این ترتیب سرمایه داری آزاد در روبنا به سیاست دمو کراتیک متکی است. به این

نرتیب شما چه روشنفکر باشید و چه نباشید، در

چنین چیزی را هم پذیرفت. بور ژوازی متاخر هم

پ یی پیروی را با بیر که بعدها ایجاد شد خیلی صاف و ساده گفت من این دنیا را می سازم و من این فضار ااداره می کنم و

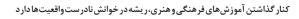
به چیزی هم نیاز ندارم و این شما هستید که باید از من پیروی کنید از این رو نمی توان دمو کراسی

فكرانهس

) ندارد ولی نسبت به وضع کارگر آگاهی نرده و با پرولتاریا و تودهها کنار آمده و به

رانهستندوزمانی کهقلبومغزهمزمان ند، آن انقلاب به ثمر نخواهدرسید. در





ارج نهادن به انسان و علوم انسانی



جهانی خوب عمل نکرده اما راســت این است که این آزمونها، شــاخصهای خوبی برای کامیابی ملی م ستند.از ۱۹۶۴ تاکنون که نخستین آزمونهایی از .. این دست آغاز شدو در ۱۲ کشور دانش آموزان ۱۳ ساله را مــورد آزمون قرار داد، آمریکا پشتســر همتایانش بُوده و تُنها گاهی به بالاتر از میانه گروه رسیده و بهویژه همواره در علوم و ریاضی ضعیف بوده ا ب این ۵ دهه گذشته، همین کشور تنیل ، ب -جهان علم، فنــاوری، پژوهش و نــوآوری فرمان رانده است. کشمور سموند را در نظر بگیرید. این کشور در سـرمایه گذاُری خطرپذیر [مترجم: سـرمایه گذاُری در شــر کتـهای نوپاو کار آفرینی کهمســتعدجهش ر ریایی میشوند. این سرمایه گذاری همراه با ریسک بالاست.] بهعنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی به سست. بـ سرن ر (GDP)، پس از بریتانیای بزرگ و آلمان، رتبه ششم جهان را دارد. آمریکا هیم در رتبه دوم اسد مهم ترین سنجهای نوآوری، همچون هزینه پژوهش و توسعه و شمار شـــر کتهای با فناوری بالا -بهعنوان بخشی از همه شرکتهای دولتی -را بهخوبی داراست. . یکی را در کرد اور می رای کا در کردی دیگر بااین روهم آمریکاوهم سوئدو همچنین برخی دیگر از کشورهایی که کمابیش چنین شرایطی را دارند در رتبهبندی آزمونی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ربیب OECD به گونهای شگفتانگیز پایین ه سـوند در آزمون هـای ۲۰۱۲ در میان ۳۴ کشــور از توسعه يافته ترين اقتصادها، حتى از آمريكا بدتر عمل كردوازرتبه بيستوهشتم بهرتبه بيستونهم رسيد امااز آزمون دهندگان بدایس کشورها که بگذریم در کل اقتصادهای شان چند ویژگی مهم دارند، نرمش پذیرند، فرهنگ های کاری شان غيرسلسلهُمراتبي وُ بر بنيادُ شايســتگي است، همه ... همچون کشورهای جوان،بااترژی و پویاعمل می کنند، همچون کشورهای جوان، باابرری و پویـسس. ی جامعههای باز دارند، به ایدهها، کالاها و خدمات جهانی ۲۰ خمش نشـــا، م می دهند، مردم در این کشـــورها ــأن مىدهند، مردم در اين كشــ كنده از اعتمادند؛ ويژگيي كه مي توان آن رااندازه گرفت. گذشته از رتبه بیستوهفتم آمریکا در ریاضی، دانش آموزان آمریکایی دربالای جدول «باور داشتن به تواناییهای ریاضیشان» قرار می گیرند سُوند که در رتبه بیستوهشتم ریاضی بود با این شاخص در رتبه

۳۰ ســال پیش، ویلیام بنت، وزیر آموزش و پرورش دوره ریگان، به این تفاوت میان موفقیت آموزشــی و اعتُمادَ به نفس پی برد و به شــوخی گفت: «این کشور در آموزش اعتماد به نفس، خیلی بهتر از آموزش ریاضی ر کر روز کرد به بین بین که کرد کرد کرد کرد کرد کرد کید عمل می کنند »این تنها یک شسوخی بیدانه دانش آموزان چیزی نیرومند در اعتماد به نفس بی با کانه دانش آموزان آمریکایی و سوئدی وجود دارد که به آنان اجاز ممی دهد نابزر گترهایشان رابه پرسش بگیرند، شرکتهای

ت معلم خارج شود! بالاخره نوبت انشا

... خواند. بیشــتر از هر چیز از ویژگیهای ظاهریاش نوشــته بود که خودش را با تشبیهاتی توصیف کرده

بود.استفاده از آرایهٔ تشبیه برای توصیف ویژگی های ظاهری خود، جرأت میخواهد و خواندن آن برای

همكلاسسيها، جرأتي بيشتر. مُبينًا چشههايش

بزرگ راه بیندازند، هنگامی که دیگران می پندارند که آنان دراشتباهاندازخودسرسختی نشان دهندو هنگام شکست،خودشان رااز زمین بلند کنند، اعتماد بهنفس خیلیزیاد، گاهی شایدبه خودفریبی بینجامدامایکی *از* پارمایههای بنیادین کار آفرینی است. منظور مسن این نیست که ضعیف عمل کردن

ستنور ست پین نیست به صنعیت مین بردن دانش آموزان آمریکایی در ایس آزمونها، چیز خوبی است. کشورهای آسیایی همچون ژاپن و کرده تدبی، از داشتن نیروی کار ماهر، بهرههای بسیار بردهاند.اما دیگرُسُ همچون آفرینندگی، سنجشگرانهاندیشی و نگاه خوش بینانه، نقطهضعفش – همان نیروی کاری که از نظر فنی کمتر ماهر است-راجبران می کند. برعکس، کشوری مانندژاپن، نمی تواند با کارگران كار آزمودهاش اينچنين عمل كند چراكه براى نوآورى

آمریکاییها، پیش از آزمُودنُ سامانههای آموزشی تقلیدگر آسیایی کهبر گرداز بر کردن درسهاو آزمون گرفتنهامی چرخند، باید هوشــیار باشــند.من این وع سامانههای آموزشــی را تجربه کردمام نقطههای ی کر کی کرد. قوتی دارنداما در انتقال شیوه اندیشیدن، حل مسأله و آفرینندگی، کامیاب نیســتند. به همین دلیل است که مُهمترین کشورهای آسیایی، از سنگاپور بگیر تا کرهجنوبی و هند، می کوشــند تا جنبههای آموزش فرهنگی - هنری را به سامانههای خود بیفزایند حک ماً، پایه گذار شُرکت اینترنتی علی بابای چین، در یک سخنرانی، این فرضیه را مطرح کرد که چینیها به اندازه غُربی ها نوآوری ندارند زیرا سامانه آموزشی چین که مقدمات را خیلی خوب آمــوزش میدهد، هوش دانش آموز را از همه نظر پرورش نُمی دهد و به او اجازه نمی دهد آزادانه در تغییر باشد، تجربه کند و هنگام یادگیری از خودش لذت ببرد: «بسیاری از نقاشان با لذت بردن یاد می گیرند، بسیاری از کارگران گستره هنر وادبیات بالذت بردن دست بـ تولید می زنند پسُ كُار آفرينان ما هم نياز به اين دارند كُه لذت بردن رابياموزند.»

مهم نیست مهارتهای ریاضی و علوم شما تا چه اندازه قُوى است شماباً يد چگونَه يادگرُفتنُ سرونوی ستسهبایی چنوبیه تا طرحی، سیان گذار آمازون و حتی نوشتن را بدانید جف بزوس، بنیان گذار آمازون (و صاحبامتیاز همین روزنامه واشنگتن پست)اصرار دارد که مدیران ارشدش، یادداشتهایی به اندازه ۶ صفَّحه چاپی بنویسند و نشستهای مدیریتی مهم را با یک زمان آرامسش،اغلب به پیرامون ۳۰ دقیقه، آغاز ہے کند تا ہر کسی آن «گزارش ہے)» را برای خودش ی بخواند و از روی آنها یادداشت بردارد. بزوس، در جایی می گوید: هوشتن هر جملهای، سـختی خود را دارد. جملههافعل دارند بندهابا جملهها در فراخورند هيج

نوآوری در کارو کاسبی، همیشه بانکته سنجی هایی نرباًره یونان باســتان اَموزش دیده بود و دُرِ

هم كمك مي كرفت تاايدههايش أعملي سيازند اما ممان گونه که او گفته، «فیس بوک به همان اندازه که فناوریاست، روانشناسی و جامعه شناسی هم است.» ۲۰سال پیش، شرکتهای فنی، به عنوان سازندگان تولیدی، چهبسا که تنها مشخول کار خود بودند. اما هُماکنون آنها باید بر لبه تیسز طراحی، خرید و فروش و شبکه سازی اجتماعی حرکت کنند شما می توانید کفشی ورزشی بسیازید، آن هم در بخش های زیادی ز جهان ُو بَا كيفيت يكسانَ، اما نمي توانيد أن را ٣٠٠ ر ۱۰ با صرفت استانی پیرامون آن ساخته باشید. دلار بفروشید، مگر داستانی پیرامون آن ساخته باشید. همین مُساَله برای خودرو، پوشاک و قهوه هم صدق می کندارزش افزوده در برنداست، این که چگونه تصور شود، عرضه شود، فروخته شود و پایدار بماند. صنعت

۔ امانکتے پایانی این که سنجشگرانهاندیشے تنها راه برای تولید پیشههای آمریکایی است. دیوید آتور، اقتصاددان MIT کـه به دقیق ترین وجه، به پژوهش بیرامون اثر فناوری و جهانی شــدن بــر کار، پرداخته ست، مینویسد: «کارهای انســانی که نشان دادماند

راهی نیست که بدون داشتن اندیشه ای روشن، بتوانی گری ... گصفحه یادداشت گزارشی بنویسی.» شــر کتها، اغلــب، ویژگی هــای مقدماتــی را به

جنبههای دقیق کارشناسی ترجیح میدهند. که بیشتر، کارگر پرسُسور باهوش می گیرند حتی اگر مهارتهای دقیق مورد نیاز شرکتشان را نداشته

ورای فنساوری همسراه بوده است. فیس بسوک را در . ظُـر بگیرید مسارک زاکربرگ، دانشـجوی رشـته علوم انسانی کلاسیک بود که همچنین علاقه پرشوری ه رابانه داشت. او در دیپرستان، به صورت فشر ده در رشته روانشناسی تخصص گرفت. نوآوری های فیس بوک، تا اندازه زیادی باید با روانشناسی دُر پیوند باشد.زا کربرگ،گهگاهی اشاره کرده که پیش از این که بسدار عربر حد آید، بیشتر مردم هویتهایشان را در فیسی بوک پدید آید، بیشتر مردم هویتهایشان را در اینترنت پنهان می کردند.اینترنت، سرزمین گمنامی بود. نوآوری فیس بوک این بود که توانست فرهنگ هویت خودشــان را به دوستانشــان آشکار خواهند کردو این ُراه و روشی دگر گون گر بود. البته زاکربرگ، رایانه راخیلی خوب می دانست و از رمزنویسان بزرگی

سود. مرحد سرود مرود گسترده سرگرمی آمریکارا در نظر بگیریدو داستانها و ترانه ها و خلاقیتهای ساخته شده پیرامونش. همه

برای رایانهای شدن سر بهراه ترین هستند، کارهایی اند

که روندهای کدپذیر سے راست-همچون عمل -رادنبال می کنند اینجاست که رایانه سخت از انًی در سرعت، کیفیت، دقت و بازدهی پیشی

می گیرد. کارهایی که نشان دادهاند برای کار خودکار، . . ترین در دسرهارامیسازند،آنهاییهس بہ نر مش پذیری، داوری و شعور متعار ف–مہار تھاہے بحرمسیدیری باوری و معورت سهرحسی که ما تنها ضمنی از آنها آگاهی داریم - دارند برای نمونه پرور اندن یک نظریه یا ســـاز ماندهی یک انبار. در سال ۲۰۱۳ و تن از دانشوران آکسفورد، پژوهشی گسترده انجامدادندروی استخدام افرادو دریافتند کارکنانی که از رایانه ای شدن پیشه های شان دوری می گزینند هیاز بهٔ آفرینندگی ومهار تهای اجتماعی خواهندداشت.» با ایس همه، هـدف، کاسـتن از اهمیت نیــاز به

مهارت آموزی در فناوری نیست. هدف این است که نشان دهیم، همان گونه که ما بارایانه کار می کنیم(که درواقع آینده هر گونه کاری است)بیشترین مهار تهای رزُسُمند، آنهایی خواهندبود که بی همتایانه انسانی اند، نهایی که هنوز هم رایانه ها نمی توانند، سراسر، سر از کار شــان در آورند. برای این کارها و آن زندگی، شــما علاقه تان , ا دنبال کنید، با گستر های از موضوعهای

پرر س کر کرد استدلال پایانی در ارزشــمند بودن آموزش علوم انسانی برریشد تاریخیاش استوار است.دربیشتر تاریخ انســانی، همه آموزش، مهارت بنیاد بود. شکارچیان، کشاورزان و جنگجویان به جوانانشان شکار، کشاورزی و جنگیدن یادمی دادند اما حدود ۲۵۰۰ســـال پیش، ونان تغيير كردوبه أزمودن شكل تازهاي از حكوم . نموکراسی، دست زد. این نوآوری در حکومت، نیاز به نوآوری در آموزش داشت.مهار تهای پایه برای معاش، به هیچرو کافی نبود، شــهروندان همچنین باید یاد میگرفتند که چگونه جامعه هایشان رامدیریت کنندو . عود فرمانی را تمرین کنند آنان هنوز هم دارندهمین

» توضیح مترجم: فریدز کریا، نویس ستون نویس سرشــناس واشنگتن.پســت است که در هندوســتان به دنیا آمده است. واپسین کتاب وی ت چندی پیس منتسر ست ۱۰۰۰ (In Defense of a Liberal) فرهنگی-هنسری» [Education أنام دارد. اين يادداشت كه تاريخ انتشار آن ۲۶ مارس امسال است نيز در پيوند باهمين موضوع است. البته عنوان اصلی این یادداشت «چرا دلمشـفولی آمریکا به آمـوزش STEM خطرناک است» اسـت. STEM مخفف واژههای science engineering technology و math است که به ترتیب به معنای علم، فناوری، مهندسی و ریاضی

راهافتادن جریان روشنفکری در غرب و در قرون ۱۱ و ۱۲ میلادی، بهصورت تقریبی همزمان است با اوج تمدن و فرهنگ ایران ئے نبی قسرون ۳ تسا۶ھجری کُسہ تفکرات روشــنگرایانه در ایــران شــکل می گیرد. رر چه نســبتی می توان میان ایــن دو وجه از روشنگری قایلشد؟

رور در ابتدا باید تفکیکی میان روشنفکری اروپایی و آنچه ما در این جا مدنظر مان است، قایل شویم. آنچه از قرن دوازدهم و سیردهم در غرب متداول شد و رشد پیدا کرد، مقدمات ایجاد روشنفکری بود امامنتهی به شکل گیری قشر روشنفکران نُشداین امر تا انقلاب کبیر فرانسهٔ ادامه پیدا کرد، یعنی در قرن هجدهم است که با قشری از کرد، یعنی در قرن هجدهم است . فهمیدگان و منتخبان جامعه مواجه می شویم درد. دالامبر، مونتسکیو که اینها افرادی چون دیدرو، دالامبر، مون و... كەاصحاب داير ەالمعار ف فرانسە بودند و بە اين افراد در تاریخ روشنفکر گفتند روشنفکری اما بعدهابه صورت علمی و فلسفی کلمه، پایه گذاری . شد و این هم قرن هجدهم و دوران حضور کانت است که او رسالهای معروف با عنوان «روشنگری چیست؟» را نگاشت. این کتاب در اواخر قرن ۷... ۱۸ نوشته شــدو به معنی روشنگری پرداخت و پس از او هم تمام فلاسفه و متفکران به این نکته داختند که روشنگری را معنا کنند آن تحولی پر-- ---- د روحه از کار ---- که آن را شهران در ایران (و به این شکل) رخ نداده هرچند در فلسفه فارایی و سینوی و دوران رنسانس ایرانی-اسلامی که پیش از این شرح دادهام ما با بیداری فکر روبهرو

هستیم ساید برد. ر به آن افراد بگویند روشنفکر. بحث بیشتر اروپایی ت چراکه اروپاییها ۱۵ روشنفکر کسیاست که تنهاندانددر جامعهزیست مىكندبلكەبداندبەطور مضاعف ومشدددر جاما ت عنوان دوران ر پیدبه صورت مضاء هم به مناسبات تاریخی، اجتماعی سیا ميزيدوبايدبه صورت مضاعف روستفکران کمتر می شود چراک ا اقدام روشنفکری لازمـه جامعـه ای ا و…فكركند

ری ری ری از این از آن را آمدند، دوران پـس از آن را دوران روشنی و روشنفکری نامیدند. امـا چنین چیزی به صورت تلویحی و غیر مستقیم در ایران مطرح شده است. برای مثال سهروردی در رساله معروف «عقل سرخ» به این ۱٫۰۰۰ میپردازد و می گوید «گر بگویم، تیغ باشد یا درخت» به این معنا که اگر نظراتی افاش بگویی ر ۔ ۔ ۔ ی یاسرم رامی برندیابه درخت آویزانج می کنند. به این ترتیب آنها هیچ گاه جر آت نکردند به وضوح به شرح أن تاريكي بپردازندو أگرهم كسي پُرداخت مانندعين القضات همداني وبسياري ديگر جانش ىدانى وبسيارى ديگر جانش

قرن از زیست خبود را در

قرون وسطى گذراندند و اين

تاریک میشناختند و پس

از آن که از ایسن دوران بیرون

را در این راه از دست داد. ر دریں ردر حست ۔۔۔ بــه ایــن تر تیــب می تــوان گفــت کــه روشـــنفکری در ایران امری است که زمانی از هنــدوعثمانی و بعدها از ســوی غرب به کشورما آمد؟

بله دقیقا. اما ایس امر در غرب هم با دشواریهای بسیاری شکل گُرفُت ُو زمانی که اندیشه غربی به ســوی خود باز گشت و انعکاس ید. اکر دو به نحوی عقلانی، انتقادی و پیدا کردو به نحوی عقلانی، انتقادی و انسانگرایانه به نقد خود پرداخت، روشنفکری شروع شدٌ. روشنفکر کسی اُست که تنُهانداند در جامعه زیست می کندبلکه بداند به طور مضاعف و مشــدد در حامعه منز بــد و باند بــه صور ت و مستحد در بدند سیریت و بیت بست در صفح مضاعف هم به مناسبات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و … فکر کند. در ایران اما این امر بسیار د و جنبه هــای عقلانــی، انتقادی و انسانگرایانه گسترده پیدا نکرد و از سویی بستر

۔نفکراُن در غــرب هم دارای پس روست درای در حبرب هم در ای پستنی و بلندیهای بسیاری بیود و جریانهای روشنفکری درمواجهه با یکدیگر و جامعه با

را به بادام، لبهایش را به غنچه گل و زلفش را به شُب سیاه تشبیه کرده بود. بچه ها سر هر جمله خندهای سر می دادند و می گفتند: «مبینا! تو بیشتر از اغراق استفاده کردی تا تشبیه!» ولی مبینا انگار ر سری مستانش راخوانده بود. خودش رااز تک و دست دوستانش راخوانده بود. خودش رااز تک و تا نمی انداخت و با عزت نفس جمله آخر را هم تمام کرد. دست آخر بچهها انشسایش را با استانداردهایی ر که مشـخص کرده بودیم، نقد کردند. میخواستم نفر بعــدی راصدا کنم که یادم آمددفتر کلاســی را فراُموش کردُم. گفتم: «بچههــا، من دو دقیقه دیگرُ برمیگردم.» در کلاس را بازکردم و بهســمت دفتر برهی طرحه به داره رو بود و با کلاس کمی فاصله داشت. چند ثانیه ای گذشت که یک دفعه صدای جیغی آمد، شک کردم که درست شنیده باشم، اما جیغ و دادی که در ادامهاش بلند شد، شکم را به یقین بدل کرد. در آن لحظه به مخیلهام هم خطـور نمی کرد که در

ر کی این کارگری کرد. گفت: «چیزی نیست، نگران نباشید.» و با کمک دوتا از بچه ها او را بلند کرد و به بیرون برد. من که زبانم تازه قُدرت چرُخُيدن پيدا کرده بُود، پُرسيدم چه اتفاقى افتاد؟ يکى گفت: «سرش محکم به ميز خورد.» بغل

روی میز و دفتر ترنم را کشیدم بیرون. نوشته بود: روی میرو دهتر برنم را نسینم بیرون، بوسته بود: «من دختر لاغری هستم. هر روز به رستورانی میروم و یک چیزبر گر و پهسپی سفارش میدهم. من دختر لاغری هستم. هر روز به یک کافیشاپ میروم، یک کیک شـکلاتی با آب پرتقال سفارش

سرسی مها در استهای استفاده و بود و بود استهای انتقاداتی که به سرمایه داری دارد، در سه صفحه می گوید که سرمایه داری بزرگترین نقش انقلابی را در طول تاریخ بازی کرده است. حالا باز گردیم مناسبی هم برای این امر وجود نداشت. اما نحوه مواجهه با روشنفکری و



موضوع انشا: خودتان را توصيف كنيد

فاصله کمتر از یک دقیقه، اتفاقی افتاده باشد که نتیجهاش شُیوُن و فریاد باشدا بی معطلی به کلاس بر گشــتم. بچهها دور میــز ترنم حلقــه زده بودند. مشاور مدرســه هم که خودش را زودتر رسانده بود، بالای سر ترنم ایستاده بود و به صورت او می د. به دستی اش حرفش را برید و گفت: «سرش گیج رفت، زنگ زدن بــه باباش و بردنش.» بــرای من که در آن ر چند دقیقه همهچیز غریب می آمد، خواستم زودتر به روال معمول برگردم و نفر بعدی را برای خواندن

خیلی بد بود، رُفْتُ خانه. ماُجرای رژیمش را تعریف کردند که حتی دستور دکتر را هم رعایت نمی کندو بیشتر از آنچه که باید، عُذا کم می خُورد. نشستم روی صندلی. دفتر بچه ها را گذاشتم

اتفاق افتاده، بپردازند، بنابراین زیر لب و در گوشی چاقی ترنم و ماجرای رژیمسش را تحلیل می کردند و برای این که همه کلاس در جریان گفت و گو قرار

بگیرند، گاهی نامههایی از سسر کلاس به ته کلاس ردوبدل میشسد. دیگر احساس نگرانی نمی کردند

وُ داستان ترنم و رژیمش به جذابیتی تبدیل شده بود که روزشان را از یکنواختی در آورده بود. من

برای اولین ار بود که در کلاس حسس می کردم عقربه ها روی صفحه ساعت تکان نمی خورند زنگ که خورد رفتم سراغ ترنیم. گفتند حالش